

Importance of Corruption Prevention and Its Impact on Social Health

Hamidreza Hasanpour (PhD)¹, Behzad Razavi (PhD)^{2,*}

¹Public & international law Department, Law & Political Science Faculty, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

²Criminal Law & Criminology Department, Law & Political Science Faculty, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

* **Corresponding Author:** Behzad Razavi, Criminal Law & Criminology Department, Law & Political Science Faculty, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. Email: razavi1351@yahoo.com

Received: 03/06/2018

Accepted: 17/08/2018

How to Cite this Article:

Hasanpour H, Razavi B. Importance of Corruption Prevention and Its Impact on Social Health. *J Educ Community Health*. 2018; 5(2): 72-81. DOI: 10.21859/jech.5.2.72

Abstract

Introduction: Corruption is one of the major obstacles to achieving progress and development in the communities and countries. Hence, understanding the phenomenon of corruption, types, and measurement parameters and negative consequences of corruption in various aspects of political, administrative, social, and economic fields may help strategies to fight with corruption. Therefore, the aim of the present study was to present the definition of corruption, types, and its political, social, cultural, and administrative consequences.

This study was carried out, using a documentary and library method in 2018. In this study, definitions and various categories of corruption, the general outlook of the concept of corruption and its various types, and its consequences from different aspects and relying on social health were discussed.

Conclusion: Corruption has consequences such as waste of national resources, weakening incentives, preventing competition growth, increasing transaction costs, poverty, poor health, low life expectancy, unequal distribution of income and wealth, inappropriate use of domestic and foreign resources, and lack of possibility of institutional reform. Given the wide-ranging outcomes and consequences of corruption in regard of political, social, and economic in society, it is recommended to adopt efficient strategies to combat with corruption and prevent its spreads

Keywords: Corruption; Corruption Indices; Fighting Corruption; Sociology of Corruption; Social Health

اهمیت پیشگیری از فساد اداری و تاثیر آن بر سلامت اجتماعی

حمیدرضا حسن پور^۱، بهزاد رضوی^{۲*}

^۱ دکترای تخصصی، گروه حقوق عمومی و بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

^۲ دکترای تخصصی، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

* نویسنده مسئول: بهزاد رضوی، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

ایمیل: razavi1351@yahoo.com

چکیده

مقدمه: فساد یکی از مهم‌ترین موانع نیل به پیشرفت و توسعه در جوامع و کشورهای مختلف است. بنابراین آشنایی با پدیده فساد، انواع و شاخص‌های سنجش آن و همچنین پیامدهای منفی فساد از جنبه‌های مختلف سیاسی، اداری و اجتماعی و اقتصادی می‌تواند در بررسی راهکارهای مبارزه با آن راهگشا باشد. هدف مطالعه حاضر تشریح تعریف فساد، انواع آن و بررسی پیامدهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اداری متعاقب آن بود. این مطالعه با استفاده از روش اسنادی و کتابخانه‌ای در سال ۱۳۹۷ انجام شد. در این مطالعه به تعاریف و دسته‌بندی‌های مختلف ارایه‌شده از فساد، چشم‌اندازی کلی از مفهوم فساد، اقسام مختلف و پیامدهای آن از جنبه‌های مختلف و با تکیه بر سلامت اجتماعی پرداخته شد.

نتیجه‌گیری: فساد دارای پیامدهایی از قبیل اتلاف منابع ملی، تضعیف انگیزه‌ها، جلوگیری از رشد رقابت، افزایش هزینه معاملات، فقر، بهداشت ضعیف، امید به زندگی پایین، توزیع نابرابر درآمد و ثروت، استفاده نامناسب از منابع داخلی و خارجی و نبود امکان اصلاحات نهادی است. با عنایت به پیامدها و عواقب گسترده سیاسی، اجتماعی و اقتصادی فساد در جامعه، اتخاذ راهکارهای کارآمد و اثربخش به‌منظور مبارزه با فساد و پیشگیری از گسترش آن پیشنهاد می‌شود.

واژگان کلیدی: فساد؛ شاخص‌های فساد؛ مبارزه با فساد؛ جامعه‌شناسی فساد؛ سلامت اجتماعی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۳/۱۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۰۵/۲۵

تمامی حقوق نشر برای دانشگاه علوم پزشکی همدان محفوظ است.

مقدمه

ناصواب استعدادهای و منابع بالقوه و بالفعل انسانی به سمت فعالیت‌های نادرست برای دستیابی به درآمدهای سهل‌الوصول، زمینه رکود در تمام ابعاد را فراهم می‌سازد. از طرف دیگر، هر کجا فساد ریشه بدواند، روزه‌روز بیشتر شده، مقابله با آن بسیار دشوار می‌شود و ریشه‌های آن هر روز عمیق‌تر در بطن جامعه نفوذ می‌کند. بنابراین مقابله با فساد در عرصه اداری ضرورتی جدی و انکارناپذیر است [۱، ۳]. به‌طور کلی کنترل فساد به‌عنوان یکی از شاخص‌های حاکمیت خوب پذیرفته شده است [۴].

فساد اداری از پدیده‌هایی است که انحطاط جوامع را به دنبال دارد. امروزه بسیاری از ممالک دریافته‌اند که فساد و تخلف اداری یکی از مهم‌ترین تهدیدها در جهت ثبات اقتصادی، توسعه و پیشرفت است [۵] و متأسفانه نظام اداری ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست [۶].

هدف مطالعه حاضر تشریح تعریف فساد، انواع آن و بررسی پیامدهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اداری متعاقب آن بود. این مطالعه با استفاده از روش اسنادی و کتابخانه‌ای در سال ۱۳۹۷ انجام شد. در این مطالعه به تعاریف و

فساد در طول تاریخ اجتماعی بشر همواره به انواع و اشکال مختلف وجود داشته است. امروزه این پدیده شوم به معضل بزرگی برای دولت‌ها تبدیل و حتی گستره جهانی به خود گرفته است. اگرچه نوع، شکل، میزان و گستردگی آن در هر کشور متفاوت است، همان‌طور که نتایج و پیامدهای آن نیز بنابر نوع سازمان سیاسی، اقتصادی و سطح توسعه‌یافتگی تفاوت دارد. اما در هر صورت فساد موجب انحطاط است، سیاست‌های دولت را در تضاد با منافع اکثریت قرار می‌دهد، موجب هدررفتن منابع ملی می‌شود و به کاهش اثربخشی دولت‌ها در هدایت امور می‌انجامد و از این طریق اعتماد مردم نسبت به دستگاه‌های دولتی و غیردولتی کاهش یافته، بی‌تفاوتی، تنبلی و بی‌کفایتی افزایش می‌یابد. فساد، اعتقاد و ارزش‌های اخلاقی جامعه را متزلزل می‌کند، هزینه انجام کارها را افزایش می‌دهد و رشد رقابت‌پذیری را دشوار می‌کند. همچنین تلاش‌های فقرزدایی را ناکام می‌سازد، بی‌انگیزگی و بدبینی ایجاد می‌کند و زمینه تضعیف روحیه افراد درستکار را فراهم می‌آورد [۱، ۲]. فساد اداری مانع سرمایه‌گذاری می‌شود و مسیر رشد و توسعه اقتصادی را با موانع بسیار مواجه می‌سازد و از طریق هدایت

اخیر نشان داده است که فساد در بخش دولتی گسترش بیش‌تری دارد. به همین دلیل در سال‌های اخیر به‌ویژه در کشورهای جهان سوم خصوصی‌سازی رونق جدی گرفته است [۱۲].

فساد در لغت، به معنی تباه‌شدن، نابودشدن، ازبین‌رفتن، فتنه، آشوب، زیان، کنیه، دشمنی، ظلم، شرارت، بدکاری، ضدصلاح و به ستم‌گرفتن مال کسی است در حقیقت با تحقق فساد، چیزی می‌شکند یا نقض می‌شود؛ یا در موضوع مورد بحث مطالعه حاضر، قاعده‌ای از قواعد نظام حکومتی نقض و باعث می‌شود سیستم، آسیب و زیان ببیند. از جمله تعاریف مهم ارایه‌شده از فساد می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

الف) بانک جهانی: سوء استفاده از قدرت و امکان دولتی برای رفع تامین منافع شخصی (فرد، حزب، طرز تفکر طبقه خاص و غیره). این تعریف با وجود این که هر گونه سوء استفاده از موقعیت اداری و سیاسی را در بر می‌گیرد، بیشتر با نوع فساد در کشورهای دارای اقتصاد آزاد منطبق است و بسیاری از مصادیق مهم فساد در ایران همانند قاچاق کالا و بعضی از مصادیق مهم اختلال در نظام اقتصادی را شامل نمی‌شود. علاوه بر این تعریف شامل جرم رشاء نمی‌شود، چرا که این جرم را بخش غیردولتی مرتکب می‌شود [۱۳].

ب) سازمان شفافیت بین‌المللی: سوء استفاده از قدرت تفویض‌شده در جهت منافع شخصی، اعم از این که در بخش خصوصی یا دولتی باشد، این تعریف نسبتاً جامع و مانع است [۱۳].

ج) ساموئل هانتینگتون: فساد اداری به رفتار آن دسته از کارکنان بخش دولتی اطلاق می‌شود که برای منافع خصوصی خود، ضوابط پذیرفته‌شده را زیر پا می‌گذارند. این تعریف کلیه مصادیق فساد کارکنان دولت را شامل می‌شود. یک مسئول یا کارگزار دولتی زمانی مرتکب فساد اداری شده است که در اتخاذ تصمیمات اداری، تحت تاثیر منافع شخصی یا روابط و علائق خانوادگی و دلبستگی‌های اجتماعی قرار گرفته باشد. فساد اداری به معنی عدم رعایت اصل فاصله از سوی مقامات دولتی، به‌منظور کسب امتیاز برای خود یا افراد وابسته است.

د) جیمز اسکات: فساد اداری به رفتاری اطلاق می‌شود که ضمن آن فرد به دلیل تحقق منافع خصوصی خود و دستیابی به رفاه بیشتر یا موقعیت بهتر، خارج از چارچوب رسمی وظایف یک نقش دولتی عمل می‌کند [۱۳].

در حالی که فساد در بخش عمومی و قوانین موضوعه کیفری، که قبول و پیشنهاد هرگونه رشوه را مجازات می‌کنند، تاریخی طولانی دارد [۱۴]. جرم‌انگاری فساد سیاسی و تجاری پدیده‌ای نسبتاً جدید است. با درنظرگرفتن پدیده فساد سیاسی و رشوه تجاری، رابطه میان نظام سیاسی و نظام اداری-قضایی، رابطه میان نظام سیاسی، تجاری و رابطه درون نظام تجاری مورد توجه قرار می‌گیرد.

دسته‌بندی‌های مختلف ارایه‌شده از فساد، چشم‌اندازی کلی از مفهوم فساد و اقسام مختلف آن و پیامدهای آن از جنبه‌های مختلف با تکیه بر سلامت اجتماعی پرداخته شد. همین‌طور پیامدهای مهمی در این مطالعه از قبیل اتلاف منابع ملی، تضعیف انگیزه‌ها، جلوگیری از رشد رقابت، افزایش هزینه معاملات، فقر، بهداشت ضعیف، امید به زندگی پایین، توریم نابرابر درآمد و ثروت، استفاده نامناسب از منابع داخلی و خارجی و نبود امکان اصلاحات نهادی در نظر گرفته شد. بنابراین مقاله حاضر به سه قسمت کلی تقسیم شده است به طوری که در قسمت اول به ارایه تعاریف مختلف ارایه‌شده در خصوص فساد پرداخته شده است، در قسمت دوم طبقه‌بندی انواع فساد و شاخص‌های سنجش آن را مورد بحث قرار گرفته شد و در قسمت آخر نیز دسته‌بندی انواع پیامدهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و اداری فساد بیان شده است.

تعاریف فساد

در جوامع گوناگون، برحسب نگرش‌ها و برداشت‌ها، تعاریف گوناگونی از فساد به عمل آمده است. ریشه فساد فعل لاتین "rumper" به معنای "شکستن" است. بنابراین در فساد چیزی می‌شکند یا نقض می‌شود. این چیز ممکن است رفتار اخلاقی یا شیوه قانونی یا غالباً مقررات اداری باشد [۷]. گوناوار میردال فساد را در معنای وسیع‌تری مورد بررسی قرار می‌دهد. به نظر وی، فساد به تمام شکل‌های گوناگون انحراف یا اعمال قدرت شخصی و استفاده نامشروع از مقام و موقعیت شغلی قابل اطلاق است [۸]. فساد طبق تعریفی که در فرهنگ و بستر آمده عبارت است از "پاداشی نامشروع که برای وادارکردن فرد به تخلف از وظیفه تخصیص داده می‌شود" [۹، ۱۰]. فساد عمل یا تصمیمی است که موجب می‌شود خارج از ضوابط قانونی، تعداد افراد متأثر از نتایج منفی عمل یا تصمیم، از تعداد افراد برخوردار از نتایج مثبت آن بیش‌تر باشد. تعریفی دیگر، فساد را شرارتی می‌داند که بر همه جوامع تا حدودی تاثیر می‌گذارد و جوامعی را که شکنندگی بیش‌تری دارند به شدت دچار خفقان می‌کند. محققان و اقتصاددانان، فساد را به سوء استفاده از قدرت عمومی برای منافع شخصی تعریف کرده‌اند [۱۱]. به‌طور کلی، از تعاریف فوق می‌توان دریافت که فساد در هر جامعه نسبی است و با نظام ارزشی هر جامعه قابل ارزیابی است. در حالی که فردی با عملکرد خاص، ممکن است در یک جامعه فاسد تلقی شود، در جامعه دیگر چنین تلقی وجود ندارد. مثلاً در برخی از کشورها، دادن پورسانت به مدیران طرف قرارداد جرم محسوب می‌شود در حالی که در برخی از کشورهای غربی این امر، با ضوابط خاص، در اسناد معامله قید می‌شود. علاوه بر آن فساد بیشتر شامل دستگاه دولتی می‌شود. اگرچه در گذشته فرض بر آن بود که کارمند دولت بیش از کارمند بخش خصوصی به مصالح اجتماعی پایبند است، لیکن تجربه سال‌های

طبقه‌بندی فساد

طبقه‌بندی براساس موقعیت اشخاصی که مرتکب فساد می‌شوند؛ براساس این طبقه‌بندی، فساد را به هفت قسم می‌توان تقسیم‌بندی کرد: قسم اول، فساد سیاست‌مداران است که به دلیل داشتن موقعیت‌های مهم و تعیین‌کننده در احزاب و به‌طور کلی در گروه‌های سیاسی دارای مجوز یا فاقد مجوز، نفوذ زیادی در دستگاه‌های اجرایی دارند. این گروه ممکن است جایگاه سازمانی در حکومت نداشته باشند. قسم دوم، فساد مدیران رتبه‌عالی دولت است. این دو قسم فساد را می‌توان فساد سیاسی نامید. فساد سیاسی را به استفاده از موقعیت عمومی برای منافع شخصی هم تعریف کرده‌اند [۱۵]. قسم سوم، فساد مدیران میانی، عملیاتی و رده‌های کارشناسی دستگاه‌های اجرایی است. گروه چهارم، کارمندان جزء که به‌علت پایین بودن بیش از حد حقوق مرتکب فساد می‌شوند. گروه پنجم، افرادی هستند که در یک مقطع زمانی در استخدام سازمان‌های دولتی بوده‌اند ولی در زمان ارتکاب فساد هیچ‌گونه رابطه استخدامی با دولت نداشته‌اند. گروه ششم، اشخاصی هستند که طی خدمت اداری، در سازمان‌های مختلف دولتی فعالیت داشته و از زمینه‌آشنایی و نفوذ خود در سازمان‌های مذکور سوء استفاده می‌کنند. گروه هفتم، اشخاصی هستند که هیچ‌گونه جایگاه سیاسی و اداری ندارند و در فساد بخش خصوصی مانند قاچاق کالا یا تحصیل مال از طریق نامشروع فعالیت می‌کنند [۱۳].

طبقه‌بندی براساس انفرادی یا سازمان‌یافته بودن ارتکاب فساد؛ مبنای این طبقه‌بندی، دو خصیصه کلی است که شامل ارتکاب فساد به‌صورت انفرادی یا جمعی و سازمان‌دهی شدن یا نشدن نوع و نحوه ارتکاب جرم هستند. بر این اساس فساد سازمان‌دهی‌یافته تلقی می‌شود که دو ویژگی داشته باشد؛ اول اینکه به‌صورت جمعی و نه فردی انجام شود. دوم اینکه تمام مراحل ارتکاب فساد اعم از برنامه‌ریزی و اجرا یا بخشی از آن سازمان‌دهی شده باشد. در واقع فساد سازمان‌یافته توسط یک گروه سازمان‌یافته انجام می‌شود. گروه سازمان‌یافته گروهی اجتماعی با هرم سازمانی معین است که در آن هر کس وظیفه‌ای خاص، موضعی و معین در سلسله‌مراتب داشته باشد [۱۶]. یعنی به‌منظور اجرای پروژه فساد، تشکیلاتی با عضویت بیش از دو نفر ایجاد و برای هر یک از اعضای گروه وظیفه و نقشی تعیین شود و هیچ‌کدام از افراد به‌تنهایی مرتکب فساد نشوند. یکی از ویژگی‌های فساد سازمان‌یافته گسترده و پیچیده بودن آن است. در این نوع از فساد شناسایی هدایت‌کنندگان و رهبران تشکیلات بسیار سخت است و به فعالیت‌های ویژه حساسی، انتظامی و اطلاعاتی نیاز دارد. معمولاً افرادی که در نتیجه این اقدامات شناسایی و دستگیر می‌شوند، از مهره‌های بسیار ضعیف و رده پایین تشکیلات هستند که به‌راحتی و با سرعت قابل جایگزینی هستند.

روابط فساد بین نظام سیاسی و مدیریت عمومی در بسیاری از کشورهای اروپایی و در گروه‌های نخبه سیاسی و احزاب سیاسی به امری کاملاً رایج تبدیل شده است، به‌طوری که از سمت‌های رده بالا در ادارات دولتی یا در سیستم قضایی به‌عنوان رشوه برای اعضای بلندمرتبه احزاب سیاسی، وزرای قبلی و غیره استفاده می‌شود. نامزدی برای تصدی شغل شهرداری یا دیگر مناصب انتصابی بر مبنای معیارهایی است که منعکس‌کننده توانایی‌های اداری یا دیگر قابلیت‌های افراد نیست، بلکه بر مبنای عضویت در شبکه‌های دوستان قدیمی یا براساس شبکه‌هایی از افراد مطیع استوار است. این نوع روابط همان گلوگاه‌های اصلی فساد هستند. به‌طوری که بیشتر این اعمال مشمول قوانین موضوعه در رابطه با فساد نیستند، و معمولاً در خارج از حوزه حقوقی یا کیفری قرار می‌گیرند.

هرچند تعاریف فوق توسط مراجع معتبر ارایه شده‌اند، اما ممکن است با شرایط اجتماعی، سیاسی و اداری خاص حاکم بر ایران سازگاری نداشته باشد. با توجه به نقش گروه‌های سیاسی و دولتی بودن اقتصاد ایران، محدودیت‌های مختلف در ورود و خروج کالا، سهمیه‌بندی‌های مختلف، وضع یارانه‌های متعدد از سوی دولت، وجود قیمت‌های مختلف برای برخی کالاها (چندنرخ‌بودن)، تامین مالی اکثر پروژه‌ها توسط دولت یا با تضمین دولت، امکان سوء استفاده از منابع دولتی یا منابع تحت نظارت خاص یا مدیریت دولت از سوی اشخاص بخش خصوصی و دولتی یا به‌طور کلی مناسبات و واقعیت‌های مربوط به شرایط اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اداری ایران، می‌توان تعریف ذیل را از فساد مالی ارایه داد:

- سوء استفاده از موقعیت سیاسی نظیر استفاده شخصی و خارج از چارچوب اساس‌نامه بدون رعایت اهداف عمومی از منابع مالی برای اتخاذ سیاست‌های پولی، مالی و بازرگانی برخلاف منافع ملی برای نیل به اهداف گروهی
 - سوء استفاده از موقعیت اداری در سازمان‌های تحت مالکیت یا مدیریت
 - سوء استفاده بخش غیردولتی از منابع عمومی نظیر تبانی احتمالی مهندس مشاور با پیمانکار در نظارت بر پروژه عمرانی یا برداشت غیرقانونی وجوه در شرکت‌های سهامی عام، کلاهبرداری از شرکت‌های دولتی و بانک‌ها به‌ویژه در اخذ تسهیلات ریالی ارزی
 - تخطی بخش خصوصی از سیاست‌های بازرگانی و حمایتی که در جهت اهداف عمومی نظیر قاچاق کالا وضع شده است.
- فعالیت‌های مربوط به فساد را می‌توان به فساد وضعی و فساد ساختاری تقسیم‌بندی نمود. فساد وضعی مربوط به اعمالی است که در یک دوره زمانی کوتاه و در مقیاس محدودی روی می‌دهد. اما فساد ساختاری مربوط به دوره‌های طولانی است و اشاره به روابط پیچیده‌ای دارد که میان فساد ماموران از یک طرف و تجارت خصوصی از طرف دیگر، برقرار است.

ارتشاء، اخذ پورسانت، اعمال نفوذ، تبانی در معاملات دولتی و غیره) تقسیم می‌شود.

طبقه‌بندی فساد از منظر افکار عمومی؛ بر این اساس، انواعی از فساد ممکن است از دیدگاه افکار عمومی بسیار مذموم و اصلاً به لحاظ فرهنگی، اجتماعی و سیاسی توجیه منطقی نداشته باشد (مانند اخذ رشوه برای زیاده‌طلبی و نه برای تامین نیازهای اولیه زندگی یا جابجایی اعتبارات دولتی بدون هیچ‌گونه توجیه اقتصادی و اجتماعی قابل قبول).

طبقه‌بندی از منظر توده‌های مردم و نخبگان جامعه؛ در این طبقه‌بندی، فساد اداری به سه دسته (سیاه، خاکستری و سفید) تقسیم‌بندی می‌شود. فساد اداری سیاه، به کاری گفته می‌شود که از نظر توده‌ها و نخبگان منفور است و عامل آن باید تنبیه شود. فساد اداری خاکستری به کاری اطلاق می‌شود که از نظر اکثر نخبگان منفور است ولی توده‌های مردم در مورد آن بی‌تفاوت هستند. فساد اداری سفید شامل کاری می‌شود که ظاهراً مخالف قانون است، اما اکثر اعضای جامعه (نخبگان سیاسی و اکثر مردم عادی) آن را آنقدر مضر و با اهمیت نمی‌دانند که خواستار مجازات عامل آن باشند [۱۸].

طبقه‌بندی از منظر خرد با کلان‌بودن فساد؛ در این نوع طبقه‌بندی، فساد به دو طبقه تقسیم می‌شود: طبقه اول، فساد کلان است که با توجه به ارزش پولی مصداق فساد یا گستره تاثیر آن در اقتصاد یا نظام اداری یا مقایسه آن با سایر مصادیق فساد در سطح استانی، ملی، جهانی یا موقعیت اشخاصی که مرتکب فساد می‌شوند یا با ترکیبی از این عوامل تعیین می‌شوند (مانند فساد در طرح‌ها پروژه‌های ملی یا فساد در سطوح بالای دولت به معنی عام).

طبقه دوم، فساد خرد است که در نقطه مقابل فساد کلان قرار می‌گیرد و به طبقه‌بندی بزرگ، متوسط و کوچک تقسیم می‌شود و تعریف و تعیین چارچوب این طبقات با توجه به اوضاع و احوال و شرایط حاکم امری نسبی است.

طبقه‌بندی‌های دیگری از جمله طبقه‌بندی به لحاظ سیستمی بودن یا نبودن فساد نیز برای فساد وجود دارد. در این تقسیم‌بندی گسترش فساد در سطح یک شرکت یا موسسه یا یک وزارتخانه و سازمان‌های وابسته به آن در نهایت فساد در سطح کل نظام حکومتی که برای تحقق هدف یا اهداف خاصی طراحی شده و مرتکب فساد می‌شوند. طبقه‌بندی فساد براساس سطح ملی و فراملی که در این طبقه‌بندی گسترده جغرافیایی وقوع فساد است (مانند ارتکاب اختلاس و ارتشاء در سازمان‌های دولتی مستقر در داخل کشور). دیگر طبقه‌بندی به لحاظ فساد در قلمرو بخش دولتی یا خصوصی است که اکثر فساد مالی در این بخش‌ها و در همه ابعاد صورت می‌گیرد که فساد در این بخش‌ها موجب زیان‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در کشور می‌شود و نسبت به میزان زیان‌ها، می‌تواند در برنامه مبارزه با مفاسد در اولویت قرار گیرد.

طبقه‌بندی براساس انگیزه ارتکاب فساد؛ براساس این طبقه‌بندی فساد به هفت دسته تقسیم می‌شود. دسته اول، ارتکاب فساد با انگیزه سیاسی، دسته دوم، ارتکاب فساد با انگیزه‌های اقتصادی، دسته سوم، فساد با انگیزه فرهنگی، دسته چهارم، ارتکاب فساد با انگیزه اجتماعی، دسته پنجم، ارتکاب فساد با انگیزه تامین هزینه اعمال غیراخلاقی، دسته ششم، ارتکاب فساد با انگیزه اداری و دسته هفتم، ارتکاب فساد با انگیزه کلی، هستند [۱۳].

طبقه‌بندی به لحاظ آثار فساد در اقتصاد و سیاست و سایر ابعاد؛ در این نوع طبقه‌بندی فساد به سه دسته تقسیم می‌شود. دسته اول، به آثار اقتصادی فساد می‌پردازد. فساد آثار عمده اقتصادی دارد، از آن جمله می‌توان به توزیع ناعادلانه درآمد؛ تخصیص نامناسب منابع؛ نداشتن تعادل در اقتصاد و نبود امکان ایجاد تعادل حتی با دخالت دولت و ضربه به تولیدات داخلی اشاره کرد. دسته دوم، مربوط به آثار سیاسی فساد است. فساد آثار عمده سیاسی دارد که بیشتر شامل تخلفات مدیران و افراد شاخص احزاب و گروه‌های سیاسی می‌شود. در نهایت دسته سوم مربوط به آثار و پیامدهای اداری است. فساد تبعات منفی عمده مانند بهم‌خوردن نظم تعریف‌شده برای سازمان اداری دارد.

طبقه‌بندی به لحاظ درآمدی و هزینه‌ای؛ فساد در این نوع از طبقه‌بندی به پنج دسته تقسیم می‌شود. دسته اول، فساد است که به‌طور محسوس و ملموس برای دولت بیشترین هزینه را دارد. دسته دوم، فساد است که بیشترین هزینه را برای ارباب‌رجوع و کمترین هزینه را برای دولت و بیشترین فایده را برای کارمند متخلف دارد. دسته سوم، فساد است که در ظاهر، به‌طور محسوس، هزینه و فایده زیادی برای دولت یا بخش خصوصی و به‌طور کلی متخلفین ندارد. البته این نوع فساد علاوه بر رعایت‌نکردن اولویت‌هایی که برنامه‌ریزان کشور تعیین کرده‌اند، می‌تواند سازمان‌های دولتی را نیز به لحاظ تامین نیازهای اولیه کارگران و کارمندان، دچار مشکل کند. دسته چهارم، فساد است که بیشترین هزینه را برای دولت و کمترین هزینه و فایده را برای متخلفین دارد. دسته پنجم، فساد است که به نفع مامور دولت و ارباب‌رجوع و به ضرر دولت است؛ مانند دریافت‌نکردن مالیات یا حقوق و عوارض گمرکی. به این نوع فساد، فساد دزدانه نیز می‌گویند [۱۷].

طبقه‌بندی فساد به لحاظ موضوعی؛ براساس این نوع طبقه‌بندی، فساد به انواع مختلف قانونی، گمرکی، بانکی، مالیاتی، بورسی، استخدامی، پروژه‌های عمرانی، خصوصی‌سازی، واگذاری امتیازات و امکانات دولتی، قاچاق دارو، چوب و سایر انواع قاچاق و قراردادهای مختلف بخش دولتی، قضایی، انتظامی و نظارتی و امنیتی، بهداشتی و شهرداری‌ها تقسیم می‌شود.

طبقه‌بندی فساد براساس حقوق موضوعه؛ بر این مبنا فساد در حالت کلی‌تر و در مرحله اول به دو دسته (جرم، تخلف) تقسیم می‌شود و در مرحله دوم جرم به انواع مختلف (اختلاس،

سنجش و شاخص‌های اندازه‌گیری فساد

اصولاً برای سنجش فساد دو روش وجود دارد. روش اول مبتنی بر مصاحبه و پرسش‌نامه است که در آن به بررسی پیش‌فرض‌ها و نگرش‌های افراد در مورد فساد پرداخته می‌شود. در این روش تلاش می‌شود تا میزان و تمایل (گرایش) افراد به فساد از منابع اطلاعاتی شخصی حاصل شود. در این روش می‌توان از خودگزارشی نیز استفاده نمود. بنابراین به نظر می‌رسد که از چنین دیدگاهی نمی‌توان انتظار دستیابی به اطلاعاتی درست و معتبر داشت. روش دوم مبتنی بر جمع‌آوری اطلاعات از منابع رسمی است، در این روش با مراجعه به سیستم‌های اطلاعاتی قضایی و پلیس و از میان پرونده‌های مشکوک یا در حال رسیدگی یا پرونده‌هایی که منجر به محکومیت شده‌اند می‌توان اطلاعات در مورد فساد جمع‌آوری کرد [۱۹].

اطلاعات مربوط به فساد را می‌توان از شاخص‌های فساد برداشت کرد. این شاخص‌ها به صورت سالانه از سال ۱۹۹۵ توسط سازمان شفافیت بین‌المللی منتشر و بر مبنای روش‌های ذهنی متعددی محاسبه می‌شوند. این شاخص‌ها خود بخشی از نظرسنجی‌هایی هستند که براساس مبنای معینی انجام می‌شوند. به‌طور خاص دانمارک، فنلاند و سایر کشورهای اسکاندیناوی عملکرد مناسبی در برخورد با فساد داشته‌اند. ولی کشورهایی مانند بلژیک، ایتالیا و یونان همانند کشورهای در حال توسعه عمل کرده‌اند. با در نظر گرفتن روسیه، اروپا تصویری را نشان می‌دهد که به‌طور هم‌زمان دارای بهترین و بدترین وضعیت است. به‌طور قطع آرایه تخمینی معتبر و قابل قبول از فساد در کشورهای اروپایی و حتی سایر کشورها کاری مشکل است. زیرا اولاً اطلاعات درست و موثقی در این زمینه وجود ندارد و ثانیاً جمع‌آوری اطلاعات معتبر نیز کاری مشکل است. بالابودن میزان رقم سیاه فساد و فقدان مبنایی قابل اعتماد، منجر به این شده است که بیشتر این آمارها صرفاً مبتنی بر حدس و گمان باشند. روش‌های جمع‌آوری اطلاعات نیز روش‌های قابل اعتمادی نیستند (مخصوصاً در روش نظرسنجی). استفاده از مصاحبه و پرسش‌نامه که معمولاً در خودگزارشی‌های جرم‌شناسی یا تحقیقات بزه‌دیده‌شناسی و در حوزه جرایم سنتی به کار می‌روند، با همان مشکلاتی که در مطالعه دیگر حوزه‌های مهم رفتار منحرفانه وجود دارند، روبه‌رو هستند.

دیدگاه‌های دیگری نیز وجود دارد که مبتنی بر مصاحبه با اشخاص کلیدی و متخصصان یا ترکیبی از مصاحبه، مطالعه موردی و مطالعه پرونده‌های دادگاه هستند [۲۰]. در حالی که ممکن است از چنین روشی، اطلاعات باارزشی به دست آید ولی با توجه به مشکلاتی که در حوزه اجرای قانون وجود دارد، کاملاً واضح است که گستره فساد از طریق درجه‌بندی متخصصان قابل سنجش نیست. سیر زمانی فساد که از شاخص‌های سازمان شفافیت گرفته شده، نشان‌دهنده دوره نسبتاً ثابتی از شاخص

فساد در دهه ۹۰ میلادی و آغاز هزاره جدید است. این موضوع را می‌توان به‌عنوان دلیلی تفسیر کرد که فساد بخشی از فرهنگ (اقتصادی و سیاسی) عمومی است و به‌راحتی قابل تغییر نیست. تحقیقاتی که مبتنی بر مطالعه موردی پرونده‌های دادگاه‌ها و پلیس هستند، علاوه بر این که نمی‌توانند ساختار و نوع فساد را مشخص نمایند، برای تخمین گستردگی و جریان فساد نیز مناسب نیستند. پرونده‌های پلیس و دادگاه‌ها منعکس‌کننده مشکلات شناخته‌شده‌ای هستند که در هنگام بررسی جرایم بدون بزه‌دیده با آنها مواجه می‌شویم. تعداد پرونده‌های شناخته‌شده توسط پلیس یا بررسی‌شده توسط دادگاه‌های کیفری، به منابع اجرای قانون که به تحقیق راجع به فساد اختصاص دارند، وابسته است. چون مشخص نیست که چه میزان از پرونده‌های فساد برای مقامات اجرایی قانون شناخته‌شده هستند، نتیجه‌گیری مشکل می‌شود که آیا میزان پرونده‌های بررسی‌شده توسط دادگاه‌ها نشان‌دهنده نوع فساد است که در سیستم سیاسی، اداری و تجاری روی می‌دهد یا خیر. علاوه بر این در مطالعات اخیر که مبتنی بر مطالعه موردی پرونده‌های مربوط به فساد بوده‌اند، مشکل قابل توجهی وجود دارد و آن عدم دسترسی به پرونده‌های دادگاه‌ها است [۲۱]. دولت‌ها و مقامات قضایی تمایلی به آرایه اطلاعات در مورد پرونده‌ها به محققان ندارند، به‌ویژه پرونده‌هایی که اطلاعات آن شامل منافع تجاری گسترده و ارقام سیاسی مهم است. به هر حال مطالعات مبتنی بر پرونده‌های موجود در دادگاه‌ها بهترین روش برای بررسی سئوالات مربوط به مسایل اجرایی قانون، رسیدگی‌های قضایی و محکومیت‌ها است.

برای افزایش آگاهی مردم به عملکرد مسئولان در رابطه با مبارزه با فساد مالی و همچنین افزایش آگاهی مسئولان عالی‌رتبه کشور از میزان پیشرفت دستگاه‌های مختلف در مبارزه با فساد و درنهایت، به‌منظور ایجاد تصویر روشن و همه‌جانبه از میزان فساد در کشور برای سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی، تعیین شاخص‌هایی که نشانگر وضعیت کشور در این رابطه باشد، امری ضروری و منطقی است. در اصطلاح اقتصادی، شاخص عبارت از عددی است که میانگین ارزش مجموعه‌ای از اقلام مرتبط با یکدیگر را بر حسب درصدی از همان میانگین در دوره یا سال پایه بیان کند [۲۱].

برای تعیین شاخص فساد از سه روش می‌توان استفاده کرد: روش اول شامل تعیین شاخص براساس علل و زمینه‌های فساد مالی و راهکارهای مبارزه با آن است. بر این مبنای میزان فساد درباره تغییرات ایجادشده در علل و زمینه‌ها و راهکارها به‌طور غیرمستقیم مشخص می‌شود. در این روش، شاخص‌ها و آمارهای رسمی و غیررسمی کشور در خصوص متغیرهای ذیربط پایه‌کار قرار می‌گیرد. روش دوم استفاده از نظرسنجی یا افکارسنجی است. در این روش، اطلاعات حاصل از پرسش‌نامه و مصاحبه مبنای اظهار نظر قرار می‌گیرند. روش سوم، اندازه‌گیری

آن هم درست در زمانی که این منابع باید به شیوه‌های تداوم‌پذیر بهره‌برداری شود. از آنجایی که فساد منابع ملی را از هدف خود منحرف می‌سازد این منابع نمی‌توانند کمک چندانی به رشد اقتصادی کشور کنند و هنگامی که دولت، این عامل اصلی اقتصاد، در چنگال شبکه‌های غارتگران می‌افتد، این مشکل به مشکلی اساسی تبدیل می‌شود. وانگهی، روی آوردن درآمدهای ناشی از این نظام به سمت مصرف کالاهای وارداتی، موجب ایجاد تقاضای ارز خارجی و در نتیجه کاهش ارزش پول ملی می‌شود. این مجموعه از عوامل به‌هم‌وابسته، اثری نامطلوب بر توسعه اقتصادی کشور می‌گذارد.

۲) فساد با تضعیف انگیزه‌ها، موجب زیان‌های اجتماعی یا تضعیف نهادهای موجود، زیان‌های سیاسی یا توزیع ناعادلانه منابع و بالاخره زیان‌های اقتصادی می‌شود.

۳) فساد مانع از رشد رقابت و موجب خنثی شدن تلاش‌ها در جهت کاهش فقر و تبعیض اجتماعی می‌شود.

۴) فساد از میزان اثربخشی و مشروعیت دولت‌ها می‌کاهد، امنیت و ثبات جوامع را به خطر می‌اندازد و ارزش‌های دموکراسی و اخلاقیات را مخدوش می‌سازد و از این طریق مانع توسعه سیاسی و اجتماعی می‌شود.

۵) فساد به افزایش هزینه معاملات و کاهش امکان پیش‌بینی‌های اقتصادی منجر می‌شود و مانع از توسعه پایدار است.

۶) فساد منجر به هدررفتن سرمایه‌گذاری‌های انجام‌شده روی منابع انسانی، کم‌رنگ شدن فضایل اخلاقی و ایجاد ارزش‌های منفی در سازمان می‌شود.

۷) فساد موجب تضعیف اعتقاد مردم به توانایی و اراده سیاسی دولت برای جلوگیری از زیاده‌طلبی‌ها و نیز باعث قطع امید مردم به آینده‌ای بهتر می‌شود.

۸) به‌طور کلی فساد دارای هزینه‌هایی از قبیل فقر، بهداشت ضعیف، امید به زندگی پایین، تورج نابرابر درآمد و ثروت، استفاده نامناسب از منابع داخلی و خارجی و نبود امکان اصلاحات نهادی است [۶].

برای به حداقل رساندن پیامدهای فساد و گسترش و حفظ اعتماد عمومی نسبت به سازمان‌ها، لازم است به شیوه‌ای منطقی و نظام‌مند، با مسایل برخورد کرد و از طریق بسط و به‌کارگیری راه‌حل‌های متناسب با نیازهای سازمان‌ها (که منعکس‌کننده محیط عملکردی خاص آنها باشد) اقدام نمود.

پیامدهای اقتصادی فساد

کاهش سرمایه‌گذاری مولد و درازمدت؛ با توجه به اینکه غالباً بازده سرمایه‌گذاری مولد در کوتاه‌مدت حاصل نمی‌شود و به‌طور معمول در بخش رسمی اقتصاد قابل تحقق است، ماموران دولتی از این فعالیت‌ها نسبت به سایر فعالیت‌ها سریع‌تر اطلاع پیدا می‌کنند بنابراین با گسترش فساد و واهمه ناشی از افشای آن، معمولاً دارندگان درآمدهای نامشروع در بخش بازرگانی،

فساد با استفاده از آمار جرایم و تخلفات مالی و اقتصادی است. شاخص‌های مبتنی بر آمارهای رسمی از جرایم و تخلفات به چهار دسته تقسیم می‌شوند؛ دسته اول، آمارهایی است که می‌تواند بر مبنای یافته‌های دستگاه‌های انتظامی و نظارتی تنظیم شود. دسته دوم، آمارهایی است که می‌توان با استفاده از اطلاعات موجود در واحدهای رسیدگی‌کننده به تخلفات، اعم از اداری و انضباطی تهیه کرد. دسته سوم، آمارهایی است که می‌توان بر مبنای سوابق موجود در سازمان‌های دولتی رسیدگی‌کننده به تخلفات اقتصادی تهیه کرد. نظیر اطلاعات موجود در (سازمان مالیاتی کشور در خصوص تخلفات مالیاتی و اطلاعات موجود در گمرک ایران در خصوص تخلفات گمرکی). دسته چهارم، آمارهایی است که براساس اطلاعات موجود در دستگاه قضایی، یعنی دیوان عالی کشور، دادگاه‌های عمومی، انقلاب، نظامی، ویژه روحانیت، تعزیرات حکومتی و دادسراها تهیه می‌شود.

مصادیق فساد مالی در قانون

به جنبه‌ها و مصادیقی از فساد مالی که منحصراً در قلمرو بخش خصوصی صورت می‌گیرد و هیچ‌گونه ارتباطی به سازمان‌های دولتی یا عمومی غیردولتی پیدا نمی‌کند و از اهمیت و حساسیت بالایی در آسیب‌سازی برای منافع ملی کشور برخوردار نیست، پرداخته نمی‌شود. مواردی از زمینه‌های فساد مالی از جمله کلاه‌برداری، تحصیل مال نامشروع، رشوه، اختلاس، تبانی در معاملات دولتی، اخذ پورسانت، اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی، منظورداشتن نفعی برای خود یا دیگری، تصدی بیش از یک شغل، مداخله کارکنان دولت در مقامات دولتی، اعلام‌نکردن برخی جرایم مالی به مراجع ذی‌صلاح قضایی، اظهارات از روی غرض و برخلاف حق، تضییع اموال و وجوه دولتی، تصرف غیرمجاز در اموال و وجوه دولتی، جلوگیری از اجرای قانون، خیانت در امانت، اختلال در نظام اقتصادی کشور، تخریب معدوم‌کردن و ربودن اسناد و مدارک، قاچاق کالا و ارز، گران‌خرید و مازادخرید، فرار مالیاتی، تخلفات اداری، جرایم خاص صنایع و سایر امور و پرداخت‌نکردن بدهی دولت با وجود تمکن مالی را در بر می‌گیرد [۱۳].

پیامدهای فساد

فساد صرفاً پیامدهای منفی در بر ندارد، بلکه در شرایط نامساعد اقتصادی و اجتماعی، فساد و پیامدهای آن می‌تواند هم از لحاظ اجتماعی و هم از لحاظ فردی کارساز باشد، اما اکثر محققان برای فساد پیامدهای منفی را در نظر گرفته‌اند و آن را برای رشد و توسعه، مخرب می‌دانند که از جمله این پیامدها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱) فساد از طریق خدشه واردکردن بر سیاست‌های دولت در مقابله با منافع و اهداف اکثریت، باعث ائتلاف منابع ملی می‌شود،

در چنین شرایطی کمتر تبعه خارجی را می‌توان یافت که به سرمایه‌گذاری مستقیم در کشور اهتمام ورزد.

فرار سرمایه؛ فساد موجب نبودن شفافیت در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی می‌شود بنابراین، این قضیه امکان پیش‌بینی هزینه‌ها را مشکل و امکان برآورد هزینه‌ها و تصمیم‌گیری برای سرمایه‌گذاری را سخت‌تر می‌کند. در نهایت، این امر می‌تواند موجب کاهش انگیزه برای سرمایه‌گذاری و افزایش میزان انتقال سرمایه به خارج باشد.

افزایش قلمرو اقتصاد زیرزمینی؛ مهم‌ترین و بزرگ‌ترین پیامد فساد مالی افزایش قلمرو اقتصاد زیرزمینی و کاهش فعالیت‌ها در بخش رسمی و آشکار اقتصاد کشور است. به طور کلی وجود اقتصاد زیرزمینی، ارتکاب به فساد را تسهیل می‌کند. از آثار مستقیم گسترش قلمرو اقتصاد زیرزمینی، فرار مالیاتی است. از تبعات منفی کاهش درآمدهای مالیاتی و نبود امکان اعمال سیاست‌های مالیاتی، اختلال در سیاست‌های حمایتی دولت از اقشار آسیب‌پذیر جامعه و تولیدات داخلی و افزایش فشار مالیاتی به بخش رسمی اقتصاد و حقوق بگیران است.

اتلاف منابع، یکی دیگر از پیامدهای فساد اتلاف منابع محدود اقتصادی است. به طوری که در زمان برنامه‌ریزی و تصویب بودجه‌های سالانه، بحث‌هایی از قبیل کمبود منابع داخلی، لزوم استقراض خارجی و کسری بودجه به‌منظور تامین هزینه‌های پروژه‌های عمرانی و پرداخت یارانه‌ها مطرح می‌شود. ولی گسترش فساد بنا به دلایلی که ذکر شد، همین منابع محدود را به مسیرهایی هدایت می‌کند که بیشتر منافع عده‌ای خاص را تامین می‌کند.

منع رشد رقابت؛ گسترش فساد موجب تراکم درآمدها و ثروت نامشروع در نزد عده‌ای می‌شود. این تراکم موجب ایجاد انحصار در تولید، توزیع یا مصرف می‌شود و نتیجه این وضعیت نیز، کسب سود غیرمنصفانه این افراد و توزیع ناعادلانه فرصت‌ها، درآمد و شکاف طبقاتی است.

افزایش هزینه معاملات (تجارت) رسمی؛ برای انجام معاملات رسمی باید مالیات اعم از مستقیم و غیرمستقیم پرداخت شود و تشریفات قانونی متعدد را رعایت کرد، ولی معاملات انجام‌شده در قلمرو اقتصاد زیرزمینی چنین هزینه‌ای را متحمل نمی‌شود و تشریفات قانونی را رعایت نمی‌کند.

افزایش ناامنی اقتصادی؛ با توجه به اینکه سرمایه و سرمایه‌گذارها در محل امن حضور پیدا می‌کنند و در چنین محلی بقا و دوام می‌یابند، در صورت احساس خطر و ایجاد ضرر از جانب دولت‌مردان یا سایر اشخاص و همچنین قابل پیش‌بینی نبودن رفتارهای دولت‌مردان برای ایجاد و حفظ امنیت و انجام‌دادن سایر وظایف، دامنه احساس ناامنی و نبود سرمایه افزایش پیدا می‌کند.

پیامدهای سیاسی فساد

پیامدهای سیاسی فساد کاهش امکان برنامه‌ریزی و

دلالی و واردات قاچاق سرمایه‌گذاری می‌کنند. نتیجه این وضعیت، کاهش سرمایه‌گذاری در خرید وسایل و ابزارهای تولید و در نهایت کاهش تولید نسبت به تقاضا و کاهش اشتغال است. از طرفی، از آثار کاهش تولید و در نهایت کاهش عرضه نسبت به تقاضا، افزایش نرخ تورم است. یکی دیگر از نتایج این وضعیت (افزایش درآمدهای نامشروع و در نهایت افزایش نقدینگی) نیز افزایش تقاضا برای کالاهای مصرفی نسبت به عرضه آنها است. که این امر موجب افزایش نرخ تورم و واردات کالاهای قاچاق ارزان‌قیمت و با کیفیت بدون پرداخت حقوق گمرکی و سود بازرگانی و سایر عوارض به کشور می‌شود. به‌طور کلی نتیجه این مسایل کاهش درآمدهای دولت و تضعیف تولیدات داخلی مشابه است.

نویسنده مقاله فساد و دولت در این زمینه اظهار می‌کند "فساد همه‌گیر و رایج، شکست گسترده‌ای در بهره‌برداری از منافع شخصی برای مقاصد تولیدی است. در بازار رقابتی نفع شخصی به فعالیت‌های تولیدی تبدیل می‌شود که منجر به استفاده کارآ از منابع می‌شود" همین نویسنده ادامه می‌دهد "وقتی فساد و رشد اقتصادی با هم وجود داشته باشند پاداش‌ها موجب افزایش هزینه‌ها و انحرافات در تخصیص بهینه منابع می‌شود" [۶].

نبودن امکان اعمال سیاست‌های پولی، مالی و بازرگانی؛ با توجه به این که انگیزه اصلی مرتکبین فساد نادیده‌گرفتن منافع عمومی و اصل قراردادن علایق شخصی است، بنابراین در جریان ارتکاب فساد به‌صورت طبیعی در نقطه مقابل سیاست‌های پولی، مالی و بازرگانی دولت (که اصولاً باید در جهت تامین منافع جمعی باشد) قرار می‌گیرند و مانع اجرای آنها می‌شوند. از نتایج مستقیم این وضعیت تخصیص نامطلوب منابع و کاهش سرمایه‌گذاری براساس اولویت‌های تعیین‌شده و نداشتن کارایی در اقتصاد و هدایت منابع و استعدادها به سوی فعالیت‌های نادرست و غیراولویت‌دار است.

توزیع ناعادلانه فرصت‌های اقتصادی و درآمدها؛ یکی از تبعات مستقیم فساد توزیع نامناسب و غیرعادلانه منابع و فرصت‌های اقتصادی و در نهایت درآمدها است که نتیجه آن شکاف فاصله طبقاتی و افزایش فقر و نارضایتی توده‌های مردم است. افراد فاسد از این طریق به قدرت‌های انحصاری اقتصادی می‌رسند، از این راه می‌توانند به قدرت‌های سیاسی انحصاری نیز دست یابند.

افزایش نرخ خطرپذیری سرمایه‌گذاری، با توجه به این که وجود ثبات کلان اقتصادی و سیاسی، حفظ و حمایت از حقوق مالکیت در تعیین نرخ مذکور نقش موثری دارد با گسترش فساد این متغیرها (ثبات کلان اقتصادی، سیاسی و حفظ و حمایت از حقوق مالکیت) نیز دچار خدشه می‌شوند. بنابراین به تبع آن نرخ خطرپذیری افزایش پیدا می‌کند این قضیه هم موجب افزایش نرخ تسهیلات اعطایی به کشور می‌شود و طبیعی است

توجیه اقتصادی و تجاری قابل قبول برای عموم مردم، به صورت غیرعادی تغییر و به طرز غیرقابل پیش‌بینی ترقی می‌کند بدون اینکه هر یک از مراجع قانونی آنها را متخلف بدانند [۱۳].

فرار مغزها؛ با توجه با اینکه فساد موجبات انتصاب افراد ناشایسته را فراهم می‌کند و در اثر آن از صاحبان فکر و نظر با دیدگاه‌های مختلف کمتر استفاده می‌شود، به صورت طبیعی انسان‌های شایسته، متخصص و نخبه مهاجرت به کشورهای دیگر را برای خود ترجیح می‌دهند.

ایجاد شکاف طبقاتی؛ با توجه به اینکه یکی از پیش‌شرط‌های تحریک طبقاتی، یعنی انتقال از طبقه پایین به طبقه اجتماعی دارای موقعیت برتر، انجام هزینه‌های مالی است؛ بنابراین اشخاص متخلف به دلیل برخورداری از منابع مالی فراوان و ارتباطات گسترده با بخش‌های مختلف، برای انتقال خود و نزدیکان به طبقات بالاتر سرمایه‌گذاری بیشتری می‌کنند و از افراد هم‌طبقه خود فاصله بیشتری می‌گیرند.

اختلال در فرآیند جامعه‌پذیری؛ در صورت شیوع و فراگیر شدن فساد به دلیل کاهش قبح اجتماعی بسیاری از فعالیت‌ها و اقدامات ضداجتماعی، احساس نداشتن اطمینان در جامعه، کاهش همبستگی بین اعضای جامعه، به هم خوردن انسجام ساختاری جامعه و افزایش احساس فاصله اجتماعی بین طبقات مختلف و پای‌بندی آنها به ارزش‌های مشترک تعمیم و معیارهای اخلاقی جامعه کاهش می‌یابد. از پیامدهای این وضعیت، کاهش میزان قانون‌پذیری اعضای جامعه است.

پیامدهای اداری

شیوع و گسترش فساد در هر سازمانی، پیامدهایی در بردارد مثلا باعث می‌شود سازمان نتواند براساس اطلاعات و آمار صحیح برنامه‌ریزی کند. بهره‌وری نیروی انسانی و به‌طور کلی کارایی منابع، بسیار کاهش پیدا می‌کند و موجب ایجاد شکاف عمیق بین هزینه‌های سازمان و تولیدات آن شود. همچنین نارضایتی مشتریان، به دلیل عملکرد ضعیف سازمان افزایش می‌یابد و به دلیل نبودن امکان تامین نیازهای ضروری و رفاه کارکنان خود سازمان، آنها هم به تدریج ابراز نارضایتی می‌کنند. به‌طوری که میزان تمرد از دستورات مقامات مافوق افزایش می‌یابد [۱۸].

از محدودیت‌های مطالعه حاضر می‌توان به کمبود منابع و اطلاعات آماری مورد نیاز اشاره نمود. پیشنهاد می‌شود که در مطالعات آتی ضمن توجه به آن اثربخشی عینی هر یک از شاخص‌ها مورد مطالعه و مذاقه قرار گیرند.

نتیجه‌گیری

مقاله حاضر درصدد ارائه چشم‌اندازی کلی از مفهوم فساد و اقسام مختلف آن و پیامدهای آن از جنبه‌های مختلف بود. فساد در طول تاریخ اجتماعی بشر همواره به انواع و اشکال مختلف وجود داشته است، اما امروزه این پدیده شوم به معضل بزرگی

سیاست‌گذاری واقع‌بینانه و صحیح در خصوص امور سیاسی اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، به دلیل نبود آمارهای درست و مطابق با واقعیات در خصوص موضوعات مذکور می‌شود. همچنین تضعیف موقعیت دولت، یکی از آثار تداوم فساد آشکار شدن ضعف دولت در مقابله با آن است. این قضیه موجب تضعیف اعتقاد و اعتماد مردم به توانایی و اداره سیاسی دولت، قطع امید مردم به آینده، زیر سؤال رفتن مشروعیت، کاهش مقبولیت عمومی دولت و ناامیدی مردم از تلاش و توانایی دولت برای نیل به اهداف عالی کشور می‌شود. همین‌طور با توجه به این که هدف از تشکیل حکومت حرکت در جهت اهداف تعیین‌شده در میثاق ملی کشور و مهم‌ترین آنها ارایه خدمت به مردم است؛ بنابراین در صورت تحقق نیافتن اهداف با گذشت زمان بالنسبه طولانی در اثر مفسده دولت‌مردان، مردم نیز برای تامین اهداف خود به این وضعیت واکنش نشان خواهند داد.

اگر دولتی با انجام‌دادن نظرسنجی‌ها از افکار عمومی یا مطالعات و بررسی‌های دیگر به این نتیجه برسد که از پشتوانه مردمی کمتری برخوردار است و در صورت ایجاد مناقشه بین این کشور با کشور دیگری از طرف توده‌های مردم و نخبگان جامعه حمایت نخواهد شد، نمی‌تواند در مذاکرات بین‌المللی برای مدت طولانی بر مواضع خود (که مبتنی بر منافع و مصالح ملی است) اصرار کند و مجبور است بیشتر امتیاز بدهد تا امتیاز بگیرد. ممکن است دولت‌مردان برای حفظ موقعیت خود یا گسترش آن از قدرت‌های خارجی یاری طلبند و به‌جای اتکا به مردم، به آنها متکی شوند.

پیامدهای فرهنگی و اجتماعی

تضعیف فرهنگ قبح اجتماعی ارتکاب فساد؛ با توجه به این که دولت‌مردان هر کشوری به‌عنوان الگوهای جامعه هستند فساد آنها ارتکاب فساد توسط دیگران را عادی می‌کند و آنها را به انجام تخلف ترغیب می‌کند. بنابراین کلیه اقشار جامعه به سهم خود قوانین و مقررات حاکم را نادیده می‌گیرند و آن را زیر پا می‌گذارند و قانون‌گریزی به یک باور و ارزش و فرهنگ تبدیل می‌شود [۱۲].

کاهش آستانه تحمل اجرای عدالت؛ یکی از تبعات منفی شیوع فساد و اعمال نکردن مجازات‌های قانونی در مورد صاحبان قدرت سیاسی و اقتصادی یا اجرای ضعیف یا گزینشی آنها، کاهش پیدا کردن تحمل اقشار مختلف مردم در اجرای قانون، حتی به شکل منصفانه و عادلانه، در خصوص خودشان است. از طرفی اگر چنین وضعیتی تداوم یابد به عرف یا رویه معمول تبدیل می‌شود.

تضعیف فرهنگ کار؛ درآمدهای حاصل از فساد با کمترین زحمت و هزینه کسب شده و با گسترش آن در جامعه این شیوه تحصیل درآمد به یک فرهنگ تبدیل می‌شود و این قضیه نیز کاهش اشتغال مولد را به همراه دارد. به این صورت که با شیوع فساد، زندگی برخی افراد در یک دوره زمانی بسیار محدود بدون

بین الملل نویسنده اول مقاله از دانشگاه علامه طباطبایی تهران است که بدین وسیله از حمایت معاونت پژوهشی دانشگاه قدردانی می شود.

تاییدیه اخلاقی: موردی از سوی نویسندگان گزارش نشد.

تعارض منافع: نویسندگان اعلام می دارند هیچ گونه تعارض منافی وجود ندارد.

سهام نویسندگان: حمیدرضا حسن پور (نویسنده اول)، نگارنده مقاله/روشن شناس/پژوهشگر اصلی (۵۰٪)؛ بهزاد رضوی (نویسنده دوم)، پژوهشگر کمکی (۵۰٪)

منابع مالی: مطالعه حاضر با منابع مالی شخصی انجام شده است.

برای دولت‌ها تبدیل و حتی گستره جهانی به خود گرفته است. به طور کلی فساد را به سوء استفاده از قدرت عمومی برای منافع شخصی تعریف کرده‌اند، در اکثر موارد فساد در بخش دولتی به وقوع می پیوندد. فساد دارای پیامدهایی از قبیل اتلاف منابع ملی، تضعیف انگیزه‌ها، جلوگیری از رشد رقابت، افزایش هزینه معاملات، فقر، بهداشت ضعیف، امید به زندگی پایین، توزیع نابرابر درآمد و ثروت، استفاده نامناسب از منابع داخلی و خارجی و نبود امکان اصلاحات نهادی است. با عنایت به پیامدها و عواقب گسترده سیاسی، اجتماعی و اقتصادی فساد در جامعه لازم است با اتخاذ راهکارهای کارآمد و اثربخش به منظور مبارزه با فساد و پیشگیری از گسترش آن اقدام نمود.

تشکر و قدردانی

مقاله حاضر مستخرج از رساله دوره دکتری تخصصی حقوق

REFERENCES

- Villoria M, Van Ryzin GG, Lavena CF. Social and political consequences of administrative corruption: A study of public perceptions in Spain. *Public Adm Rev*. 2013;73(1):85-94. doi:10.1111/j.1540-6210.2012.02613.x
- Tanzi V. Corruption around the world: Causes, consequences, scope, and cures. Staff Pap. 1998;45(4):559-94. doi:10.2307/3867585
- Kaufmann D, Kraay A, Mastruzzi M. Governance matters VI: Governance indicators for 1996-2006. World Bank Policy Res Work Pap. 2007;(4280):1-94.
- Kaufmann D, Kraay A. Growth without governance. *Economia Journal*. 2002;3(1):169-230. doi:10.1353/eco.2002.0016
- Darvish H, Azimi Zachevani F. Investigating the effect of organizational transparency on reduction of administrative corruption with mediation organizational trust (Case study: Staff of Panzdah Khordad Hospital of Varamin). *J Public Adm*. 2016;8(1):153-66. [Persian]
- Afzali A. Official corruption and its effect on development: Causes and solutions. *Int Law Rev*. 2012;28(45):235-64. [Persian]
- Safari S, Nayebi HR. Different approaches in combating with corruption. In: Management Faculty of University of Tehran, National Inspection Organization. Proceedings of the 2nd scientific and research conference on supervision and inspection in the country. Tehran: Management Faculty of University of Tehran; 2001. [Persian]
- Myrdal G. Institutional economics. *J Econ Issues*. 1978;12(4):771-83. doi:10.1080/00213624.1978.11503577
- Sardari A. An approach to administrative structures in developing countries. In: Management Faculty of University of Tehran, National Inspection Organization. Proceedings of the 2nd scientific and research conference on supervision and inspection in the country. Tehran: Management Faculty of University of Tehran; 2001. [Persian]
- Johnston M. The search for definitions: The vitality of politics and the issue of corruption. *Int Soc Sci J*. 1996;48(149):321-35. doi:10.1111/1468-2451.00035
- Karhunen P, Ledyeva S. Corruption distance, anti-corruption laws and international ownership strategies in Russia. *J Int Manag*. 2012;18(2):196-208. doi:10.1016/j.intman.2011.10.002
- Abbaszadegan M. Administrative corruption. 4th Edition. Tehran: Cultural Research Office; 2015. [Persian]
- Hamdami Khotbeh Sara A. Financial corruption, causes, areas and its combat strategies. 2nd Edition. Tehran: Research Institute of Strategic Studies; 2008. [Persian]
- Kleinig J, Heffernan WC. The corruptibility of corruption. In: Heffernan WC, Kleinig J, editors. Private and public corruption. Lanham: Rowman & Littlefield; 2004. pp. 3-23.
- Choi E, Woo J. Political corruption, economic performance, and electoral outcomes: A cross-national analysis. *Contemp Politi*. 2010;16(3):249-62. doi:10.1080/13569775.2010.501636
- Sarookhani B. The social sciences encyclopedia. 3rd Edition. Tehran: Keyhan; 2001. [English-Persian]
- Heywood P, Pujas V, Rhodes M. Political corruption, democracy and governance in Western Europe. In: Heywood PM, Jones E, Rhodes M. Developments in West European politics 2. Basingstoke: Palgrave Macmillan; 2002. pp. 184-200.
- Habibi N. Administrative corruption (effective factors and methods of struggle). 1st Edition. Tehran: Vasaghi; 1996. [Persian]
- Schönherr R. Granting and bribery as economic offenses: An investigation into the attribution of these offenses to white-collar crime by the public prosecutor's offices. Freiburg im Breisgau: Max Planck Institute for Foreign and International Criminal Law; 1985. [German]
- Mischkowitz R, Bruhn H, Desch R, Hübner GE, Beese D. Assessments on corruption in the police, judiciary and customs. Wiesbaden: Bundeskriminalamt; 2000. [German]
- Bannenberg B. Corruption in Germany and its criminal control: A criminological-criminal analysis. Neuwied: Luchterhand; 2002. p. 65. [German]